

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

« مسئله جواز تبدیل وقف و وصیت باحسن و بهتر )

اینکه سؤال فرموده بودید آیا تبدیل وصیت و وقف باحسن از آنمورد و بهتر از آن محل که وقف و وصیت شده جایز است یا نه؟ پس احقر در جواب آقایان معروض میدارد که تبدیل باحسن و بهتر در همه موارد خیرات و حسنات چه در وقف و چه در وصیت عیب ندارد و بلکه بهتر و نیکوتر و در شرع انور مستحسن و احسن است چنانکه در سوره انعام و اسرائیل فرموده **و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن و در کف انا لانضیع اجر من احسن عملا و در عنکبوت و لنجزینهم احسن الذی کانوا یعملون و در توبه لیجزیهم الله احسن ما کانوا یعملون و در نور لیجزیهم الله احسن ما عملوا و در احقاف نتقبل عنهم احسن ما عملوا و در یونس للذین احسنوا الحسنی و در نحل و زمر للذین احسنوا فی هذه الدنیا حسنة و در نجم و یجزی الذین احسنوا بالحسنی در بقره و احسنوا ان الله یحب المحسنین و در زمر و یجزیهم اجرهم باحسن الذی کانوا یعملون و در نحل در دو مورد اجرهم باحسن ما کانوا یعملون و در کف لیبلوهم ایهم احسن عملا و در ملک و هود لیبلوکم ایکم احسن عملا و در نساء و من احسن دینا من اسلم و در فصلت و من احسن ممن دعا الی الله و در عنکبوت الا بالتی هی احسن و در نحل و جادلهم بالتی هی احسن و در اسرائیل**

يقول التي هي احسن ودر مؤمنين وفصلت ادفع بالتى هي احسن ودر مائده  
 ثم اتقوا واحسنوا ودر زمر فيتبعون باحسنه ودر اعراف ياخذوا باحسنها  
 ودر الرحمن هل جزاء الاحسان الا الاحسان ودر نحل ان الله يامر بالعدل  
 والاحسان ودر نساء فحيوا باحسن منها پس در اين بيست و شش آيات  
 شريفه درسى ويك مورد قرآن مابين خداوند تعالى امر باحسن و بر بهتر و نيكوتر  
 فرموده از گفتن و عمل كردن و مجادله نمودن و اجر دادن و دعوت بحق فرمودن  
 ودر آيه اول در دو سوره فرموده كه بر مال يتيم نزديك نشويد مگر بطريق  
 احسن و بقراريكه بهتر و نيكوتر در عادت و عرف و شرع انوراست پس از  
 اين آيه شريفه معلوم ميشود كه تصرف بطريق احسن در اموالى كه مثل مال يتيم  
 است از مال وقف و وصيت صحيح و جايز است و اين تنزيل آيه بود و از تفسير  
 آيه مباركه معلوم ميشود كه مراد از يتيم حضرات ائمه عليهم السلام است چنانكه  
 در فقيه و اكمال الدين بسندهاى صحيحه از ابى بصير از حضرت باقر عليه السلام  
 روايت كرده كه عرض كردم مال ايسر ما يدخل به العبد النار قال من اكل من  
 مال اليتيم درهماً ونحن اليتيم يعنى کمتر چيزي كه شخص بسبب آن  
 داخل دوزخ ميشود كدام است فرمود هر كه از مال يتيم يك درهم بخورد و  
 مائيم يتيم پس از اين حديث واضح است كه مال وقف و وصيت بر امام  
عليه السلام همان مال يتيم است كه نزديك شدن بآن و تصرف نمودن در آن  
 بطريق احسن و بقرار نيكوتر عيب ندارد و جايز است و بلكه تبديل  
 باحسن احسان محض است و آيه يامر بالعدل والاحسان بر آن تبديل

شامل است و آیات امر باحسن بآن دلالت دارد و هر که این تبدیل باحسن را بکند پس آنکس محسن و نیکوکار است و خداوند تعالی محسن را در آیات شریفه مدح فرموده چنانکه در سوره مبارکه صافات فرموده : **ومن ذریتهما محسن وظالم لنفسه** و در بقره **وهو محسن فله اجره** و در نساء **وهو محسن و اتبع ملة ابراهيم ودر لقمان وهو محسن فقد استمسك بالعرصة الوثقی** و در احزاب **فان الله اعدل للمحسنات منكن اجر اعظيماً ودر نحل والذین هم محسنون ودر ذاریات انهم كانوا قبل ذلك محسنين و در بقره و سنیزید المحسنين و در مائده و بقره ان الله يحب المحسنين ودر آل عمران و مائده و الله يحب المحسنين و در مائده و ذلك جزاء المحسنين ودر انعام و یوسف و قصص و كذلك نجزي المحسنين ودر اعراف سنیزید المحسنين و در توبه ان الله لا یضیع اجر المحسنين و در هود و یوسف فان الله لا یضیع اجر المحسنين و در یوسف و لا یضیع اجر المحسنين و در حج و بشر المحسنين و در صافات در پنج مورد كذلك نجزي المحسنين ودر مراسلات انا كذلك نجزي المحسنين و در زمر ذلك جزاء المحسنين ودر عنكبوت و ان الله لمع المحسنين ودر توبه ما علی المحسنين من سبیل ودر لقمان هدی ورحمة للمحسنين ودر احقاف و بشری للمحسنين ودر اعراف ان رحمت الله قریب من المحسنين پس در این بیست و پنج آیات شریفه در سی و چهار مورد قرآن شریف خداوند عالمیان محسن را مدح و وعده اجر و ثواب و رحمت و جنت فرموده و معنای محسن کسی نیکوکار است**

و کسیکه وصیت وقف را تبدیل باحسن بکند البته محسن خواهد شد و بصریح آیه **ما علی المحسنین من سبیل** از برای کسیکه وقف و وصیت را تبدیل باحسن نماید پس کسی بر او نتواند یک راه بدی پیدا بکند و تعرض نماید و فعل او را بد بداند و بلکه آن تبدیل کننده و اصلاح کننده است و شخص مصلح را خداوند تعالی در آیات شریفه مدح فرموده چنانکه در سوره اعراف فرموده **انا لانضیع اجر المصلحین** و در بقره میفرماید **یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر** تا آنکه فرموده **والله یعلم المفسد من المصلح** و در این آیه شریفه اصلاح نمودن مال یتام را خیر محض فرموده و اصلاح کننده را مصلح قرار داده و در آیه سابق فرموده که اجر اصلاح کنندگان را ضایع نمیکنم پس از این پنجاه سه آیات شریفه معلوم شد که تبدیل باحسن در وقف و وصیت و مال یتیم جایز و بدون عیب و شرعی و صحیح است و بلکه حسن ذاتی دارد و علاوه بر این آیات مبارکات بحسب عقل نیز عیب ندارد زیرا که عقلاء مردمان در هر زمان همیشه کارهای خودشان را تبدیل باحسن میکنند و احسن را بر کار حسن مقدم میدارند از جهت اینکه در احسن نفع زیادتر است و تمام مردمان عقلاء همواره طالب نفع و فائده میباشند پس چطور میشود که خداوند تعالی و صاحب شرع **ﷻ** نفع و فائده مردمان و اسلامیان را ملاحظه نفرمایند و حال آنکه احکام شرع انور موافق عقل است خصوصاً در منافع و فواید دنیویه بمسلمانان پس وقتیکه ادله عقلیه و نقلیه در این مسئله واضح و قائم گردید دیگر جای شک و شبهه باقی نمیشود و منکر این

منکر ضروری میشود پس بعد از توضیح مسئله بر علماء وقت و امراء دولت واجب است که اموال موقوفه را و مال الوصایا را ملاحظه فرمایند و در هر جائیکه تبدیل باحسن است و هر محلی که اهم است تبدیل و صرف و خرج فرمایند و احسن و اهم الزم را مقدم نمایند و با وجود احسن و اهم غیر احسن و غیر اهم را مقدم نمایند و شخص عاقل همیشه الزم و انفع را ترجیح میدهد مثلاً مالیکه وقف و یا وصیت بر تعزیه داری ائمه اطهار علیهم السلام است و مردم آن مال را در قند و چای خارجه صرف میکنند و بعد از آن تعزیه داری مینمایند طریق احسن و تبدیل باحسن اینست که آن مال وقف را در نان و گوشت و سایر لوازمات داخلی و عمومی فقراء آن بلد صرف فرمایند و تعزیه داری نمایند و بلکه نقد دادن بخارجه در چای و شیرینی تعزیه داری با وجود فقراء و گرسنگان در بلاد اسلام حرام و امامان ما بآن راضی نمیشوند و بلکه این نحو مجالس مجلس شیرینی خورانی و از محافل چای و قلیانی است خصوصاً در مساجد نه مجلس تعزیه داری است **فاعتبر و ایا اولی الابصار** پس در این موارد عوامی باید بصریح آیات مذکوره تبدیل وقف و وصیت بشود باحسن از آنها اهم از این چای و شیرینی خارجی تا آنکه ثواب و اجر تعزیه داری برای اقامه کنندگان حاصل شود و دلال مظلومه نشوند و دل حضرات ائمه را بدرد نیاورند و دشمنان ایشان را باثروت نکنند و قوه دفاعیه آنها را زیاد نمایند و مسلمانان را ضعیف و فقیر نفرمایند و اما جواز فروختن بعض وقفهای بدون منفعت را مثل موقوفات مرحوم شیخ صفی در اردبیل و بعض وقفهای حضرت امام رضا علیه السلام و حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام پس آنرا با احادیث صحیحه در کتاب اساس الاسلام ذکر کردم باید بآن کتاب رجوع فرمایند و در موقوفات مذکوره وزارت اوقاف و رئیس دولت و علماء ملت در دنیا و آخرت در نزد مخلوق و خالق جل شانہ مسئولند زیرا کہ اگر این موقوفات تبدیل با حسن گردد و در محل اهم و الزم صرف شود ترقیات زیاد از برای مسلمین حاصل میشود و اسلامیان از ذلت و فلاکت و بلکه از هلاکت خلاص میشوند و لکن تدبیر و عمل با حکم اسلام میخواهد و اعراض از غرض شخصی باید باشد تا آنکه حق را بگویند و غرض رانی نکنند و اهم را مقدم بدانند و تبدیل با حسن نمایند .

« ( در غره جمادی الثانیہ ۱۳۴۴ ) »

حرره الاحقر الارومی عرب باغی الموسوی